



Motivational Antecedents of Students' Sense of Belonging to University: The Role of Autonomy, Competence, Relatedness and Individual Interest

Hadi Samadieh ¹, Hossein Kareshki ^{2*}, Seyed Amir Amin Yazdi ³ Elahe Hejazi ⁴

¹ Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

² Department of Educational and Counseling Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

³ Department of Educational and Counseling Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

⁴ Department of Educational Psychology and Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran

*Corresponding author: Hossein Kareshki, Department of Educational and Counseling Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-mail: kareshki@um.ac.ir.

Article Info

Keywords: competence, autonomy, relatedness, individual interest, sense of belonging to the university

Abstract

Introduction: A lack of sense of belonging to the university among students may contribute significantly to educational underachievement and adaptation challenges within higher education institutions. However, little is known about the antecedents of students' sense of belonging. This study aimed to determine the role of autonomy, competence, communication and individual interest in predicting students' sense of belonging to the university.

Methods: This study employed a descriptive-correlational design. The research sample comprised all undergraduate students at Ferdowsi University of Mashhad during the first semester of the 2008-2019 academic year. A total of 450 students were chosen through stratified random sampling. Data were gathered using questionnaires on The Basic Needs Satisfaction in General Scale, Individual Interest, and Belonging to the University Scale. Data analysis was conducted using SPSS 24, employing Pearson's correlation and multiple regression analysis.

Results: The study uncovered significant reciprocal relationships between the fulfilment of needs for competence, autonomy, relatedness, individual interest, and the sense of university belonging. Furthermore, multiple regression analysis indicated that, except for individual interest, the factors of competence, autonomy, and communication significantly forecasted the students' sense of belonging to the university.

Conclusion: The findings underscore the critical importance of meeting fundamental psychological needs in shaping students' sense of belonging to their university. These insights could serve as a foundation for devising effective strategies in the realm of higher education.

پیشایندهای انگیزشی احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه: نقش خودمختاری، شایستگی، ارتباط و علاقه فردی

هادی صمدیه^۱، حسین کارشکی^{۲*}، سیدامیر امین یزدی^۳، الهه حجازی^۴

^۱ گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۲ گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

^۳ گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

^۴ گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسوول: حسین کارشکی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
ایمیل: kareshki@um.ac.ir

چکیده

مقدمه: عدم احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه، می‌تواند یک عامل اصلی افت تحصیلی و مشکلات سازگاری در آموزش عالی باشد. با این حال، شناخت کمی از پیشایندهای احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش خودمختاری، شایستگی، ارتباط و علاقه فردی در پیش‌بینی احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه بود.

روش‌ها: طرح پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۹-۹۸ تشکیل دادند. بدین منظور، ۴۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مقیاس‌های ارضای نیازهای بنادین عمومی، علاقه فردی و تعلق به دانشگاه انجام گرفت. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 24 و روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین نیازهای شایستگی، خودمختاری، ارتباط، علاقه فردی و تعلق به دانشگاه همبستگی‌های متقابل معنادار وجود دارد. به علاوه، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که به جز علاقه فردی، متغیرهای شایستگی، خودمختاری و ارتباط قادر به پیش‌بینی معنادار احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه بودند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش، نقش مهم ارضای نیازهای بنادین روان‌شناختی را در تجربه احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای مداخلات اثرگذار در آموزش عالی باشد.

واژگان کلیدی: شایستگی، خودمختاری، ارتباط، علاقه فردی، احساس تعلق به دانشگاه

دانشجویان با ورود به دانشگاه از لحاظ تحولی وارد دوره‌ای به نام بزرگسالی نوظهور می‌شوند. در طول این دوره، بزرگسالان سنین ۱۸ تا ۲۵ سال تغییراتی را در هویت، استقلال، حس معنا و حمایت بین فردی که مبتنی بر فرایندهای تحولی دوره نوجوانی است، تجربه می‌کنند (۱). به علاوه، ورود به دانشگاه از لحاظ درهم آمیختگی گذارهای متعدد و هم‌زمان اهمیت فراوانی دارد و دانشجویان در اولین رویارویی خود با دانشگاه، تغییرات قابل توجهی را در بافت آموزشی تجربه می‌کنند که این نوع تغییرات برای آن‌ها بسیار چالش‌انگیز است. چرا که هم‌زمان با یادگیری کنار آمدن با محیط تحصیلی و اجتماعی جدید خود، نیاز دارند تا یاد بگیرند که چگونه روابط جدیدی برقرار کنند و نقش جدید خود به عنوان دانشجو را شکل دهند (۲). یک عاملی که بیشترین ارتباط را با تسهیل گذار در دانشجویان دارد، احساس تعلق (Sense of belonging) به دانشگاه است (۳). احساس تعلق به دانشگاه به حمایت اجتماعی ادراک شده دانشجویان از دانشگاه، احساس پیوستگی، پذیرفته شدن، مورد احترام واقع شدن و مهم بودن برای جامعه دانشگاهی یا دیگران در دانشگاه اشاره دارد (۴). دانشجویان دارای احساس تعلق به دانشگاه، انگیزش تحصیلی و سلامت روان بیشتری دارند (۵). نتایج برخی پژوهش‌های داخلی حاکی از این است که در سال - های اخیر تعلق دانشجویان به دانشگاه که شامل حمایت ادراک - شده و احساس مهم بودن هست، کاهش یافته است (۶). بررسی ادراکات دانشجویان از تعلق و شناسایی عواملی که احساس تعلق آن‌ها به دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، برای حمایت از

فرایند سازگاری و تسهیل گذار آن‌ها در دانشگاه، بسیار اساسی است (۳). خود-تعیین‌گری (Self-determination) یکی از نظریه‌هایی است که ترکیبی از عوامل فردی و بافتی را در ارتباط با پیامدهای مختلف تحصیلی، انگیزشی و سلامت مورد بررسی قرار داده است و به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم تعلق دانشجویان به دانشگاه تلقی می‌شود. طبق این نظریه، اشکال خودمختارانه‌تر انگیزش (مثلاً انگیزش درونی) و به دنبال آن احساس تعلق، تنها زمانی رشد می‌کنند که بافت اجتماعی تجاربی را فراهم سازد که سه نیاز بنیادین روان‌شناختی را در افراد برآورده نماید (۷). نیاز به خودمختاری (Need for autonomy)، نیاز افراد به تجربه خودتأییدی و داشتن احساس انتخاب در شروع، حفظ و نظم‌دهی فعالیت‌های تحصیلی است و زمانی اتفاق می‌افتد که افراد حس کنند که علت رفتارشان هستند. محیط‌های حامی خودمختاری افراد را ترغیب می‌کنند هدف‌های خود را تعیین کرده، رفتارهایشان را هدایت کرده، روش خود را برای حل مشکلات انتخاب نمایند و اصولاً تمایلات و ارزش‌های خود را دنبال کنند. در محیط‌های حامی خودمختاری دیدگاه افراد در نظر گرفته می‌شود، از افکار، احساسات و رفتارهای آن‌ها استقبال می‌شود و در جریان فعالیت یا گفتگو وارد می‌شوند (۸). شایستگی (Competence) به احساس مؤثر بودن فرد در تعاملات با محیط اجتماعی، یعنی تجربه فرصت‌هایی برای تمرین، گسترش و ابراز قابلیت‌ها و استعداد‌های فرد اشاره دارد. نیاز به ارتباط به معنای داشتن روابط نزدیک و پیوستگی با دیگران و درگیر بودن در روابط صمیمانه است (۷). برای اینکه این پیوند اجتماعی ارضا کننده باشد، باید

با این برداشت مشخص شود که طرف مقابل به رفاه من اهمیت می‌دهد، مرا دوست دارد و برای من ارزش قائل است. وقتی روابط میان فردی افراد از نیاز آن‌ها به ارتباط حمایت می‌کند، نسبت به استرس انعطاف‌پذیرترند و اعتماد به نفس بیشتر و مشکلات روان‌شناختی کمتری را گزارش می‌دهند (۸). در مجموع، نظریه خودتعیین‌گری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی را ذاتی و جهان‌شمول دانسته و بیان می‌کند که در صورت ارضای این نیازها، زمینه رشد یکپارچه، سلامت و شادکامی افراد فراهم می‌شود (۷).

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در یک محیط حامی خودمختاری، احساس تعلق برای افراد پدیدار خواهد شد (۹). همچنین، تعامل بین فردی با دیگران می‌تواند تأثیر فراوانی بر احساس تعلق افراد داشته باشد. هنگامی که افراد در حال گذار از یک محیط به محیط دیگری هستند، نیاز تعلق در آن‌ها ایجاد می‌شود (۳). در ارتباط با نیاز به شایستگی، برخی مطالعات نشان داده که عدم باور به توانمندی‌ها و شایستگی‌ها می‌تواند بر حس پیوستگی به جامعه دانشگاهی تأثیرگذار باشد (۴).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر احساس تعلق به دانشگاه، علاقه به رشته تحصیلی است (۱۰). علاقه، یک سازه انگیزشی درونی است و به عنوان یک متغیر حیطه-اختصاصی (Domain-specific) مفهوم‌سازی می‌شود که اطلاعاتی در مورد اینکه چرا افراد برای درگیر شدن و یادگیری در یک موضوع اختصاصی برانگیخته می‌شوند، ارائه می‌دهد (۱۱). یک عنصر مهم علاقه فردی عاطفه مثبت است. برای مثال، دانشجوی علاقمند به یک رشته، دنبال فرصت‌هایی برای مشارکت در فعالیت‌های مرتبط

است و از درگیری در تجربه‌های مرتبط لذت می‌برد. الگوی خاص علایق فردی و اینکه چگونه این علایق، درگیری دانشجویان در یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هنوز به اندازه کافی مورد پژوهش قرار نگرفته است. علاقه، رشد بلندمدت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند و در انتظارات و انگیزش افراد برای موفقیت اهمیت دارد و به نظر می‌رسد بر تغییرات رفتاری و درگیری تحصیلی مقدم باشد (۱۲).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که علاقه کلی فرد در یادگیری با نگرش‌های مثبت به تحصیل ارتباط دارد و علاقه به موضوعات تحصیلی با تمایل به ادامه تحصیل و ماندگاری در دانشگاه، درگیری تحصیلی و افزایش عملکرد بهینه در یادگیری همراه بوده است (۱۳). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تحول علاقه به آمادگی فرد برای همانندسازی با یک رشته تحصیلی کمک می‌کند (۱۲). یکی از دلایل اساسی بررسی علاقه به رشته تحصیلی در این مطالعه، افزایش آمار بی‌علاقگی دانشجویان به رشته‌های تحصیلی خود در سال‌های اخیر است. نتایج یک طرح ملی در سال‌های اخیر نشان داده که حدود ۲۰ درصد از دانشجویان، علاقه‌ای به رشته تحصیلی خود ندارند (۱۴). یافته‌های یک مطالعه داخلی نیز حاکی از این بود که علاقه به رشته، یکی از مؤلفه‌های اصلی تعلق به دانشگاه است. این یافته‌ها، اهمیت شناسایی سهم علاقه به رشته تحصیلی در پیش‌بینی تعلق دانشگاهی را دوچندان می‌کند (۱۵).

در جمع‌بندی موارد ذکر شده می‌توان به کمبودهایی در پیشینه اشاره کرد که این مطالعه با پرداختن به آن‌ها سعی در گسترش مبانی نظری و شواهد تجربی در خصوص تعیین‌کننده‌های تعلق

به دانشگاه دارد. یک خلاً پژوهشی مهم این است که احساس تعلق به دانشگاه مفهومی چند بعدی، بسیار پیچیده و وابسته به بافت است که به شیوه‌های گوناگون توسط افراد مختلف، ادراک می‌شود (۱۶). اغلب مطالعات مربوط به این سازه در جوامع غربی انجام شده و کمتر مطالعه‌ای به بررسی پیشایندهای تعلق به دانشگاه به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده انگیزش و بهزیستی در دانشجویان ایرانی پرداخته است. نکته دوم این است که با توجه به اینکه اهداف، انگیزش و رشد یکپارچه افراد به ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی وابسته است، این موضوع قابل استنباط است که احتمالاً ارضای این نیازها در دانشجویان و متعاقب آن طراحی مداخلات مبتنی بر خود-تعیین‌گری می-تواند نقش اساسی در افزایش احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه داشته باشد.

کشاوری و علوم ورزشی، در نظر گرفته شد. بعد از انجام هماهنگی‌های لازم با مسئولین دانشکده‌ها و اساتید، دو کلاس به صورت تصادفی از ورودی‌های مختلف (سال‌های اول تا چهارم) انتخاب و بعد از بیان اهداف پژوهش، پرسشنامه‌ها میان تعدادی از دانشجویان در هر کدام از این کلاس‌ها توزیع شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل این موارد بود: ۱- دانشجویان دوره کارشناسی مشغول به تحصیل در دانشگاه فردوسی مشهد ۲- گذراندن حداقل یک نیمسال تحصیلی. معیار خروج از مطالعه نیز دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال اول بودند.

ابزار مورد استفاده دیگر در گردآوری داده‌ها، مقیاس تعلق به دانشگاه (Belonging to University Scale) بود

اهمیت و وجه تمایز این مطالعه نسبت به پژوهش‌های قبلی این است که مبانی نظری یکی از رویکردهای انگیزشی با بیشترین شواهد تجربی، یعنی رویکرد خودتعیین‌گری را به کار می‌گیرد و دوم این که به شناسایی نقش تفکیکی هر کدام از نیازهای بنیادین روان‌شناختی به همراه علاقه به رشته تحصیلی در احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه می‌پردازد. سوم اینکه با توجه به چالش‌های عمده‌ای از قبیل ریزش دانشجویان که دانشگاه‌های فعلی کشور با آن روبرو هستند، شناخت عوامل پیش‌بینی‌کننده تعلق به دانشگاه با رویکردی انگیزشی می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را در این خصوص در اختیار برنامه‌ریزان آموزش عالی قرار دهد. با توجه به این موارد، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی نیازهای بنیادین روان-شناختی و علاقه فردی در تجربه احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۲۵ هزار نفر) در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند. حجم نمونه مطابق با جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan) و با در نظر گرفتن احتمال ریزش نفرات و یا ناقص بودن پرسشنامه‌ها ۴۵۰ نفر در نظر گرفته شد. در نهایت داده‌های مربوط به ۴۳۲ نفر که پرسشنامه‌ها را به طور کامل پاسخ داده بودند تجزیه و تحلیل شد.

با روش تصادفی چند مرحله‌ای از میان دانشکده‌های دانشگاه فردوسی، ۶ دانشکده (ادبیات، علوم پایه، مهندسی، روان‌شناسی،

سه خرده‌مقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط در طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت از نمره یک (اصلاً درست نیست) تا نمره هفت (کاملاً درست است) است. نمره بالاتر در هر مقیاس بعد از معکوس کردن برخی گویه‌ها نشان‌دهنده سطح بالاتر ارضای آن نیاز است. ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های خودمختاری (۷ گویه)، ارتباط (۶ گویه) و شایستگی (۸ گویه) به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۸۶ و ۰/۷۱ در مطالعه اصلی به‌دست آمد (۱۸). بشارت و رنجبر کلاگری (۱۹) روایی عاملی مقیاس را مطلوب گزارش کردند. آلفای کرونباخ مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی در مطالعه آنان از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ بود. آنان میان شاخص‌های برونگرایی، عاطفه مثبت و بهزیستی روانی با ارضای نیازهای بنیادین روابط مثبت و معناداری بدست آوردند. آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر برای خرده‌مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۶۸ و ۰/۷۴ به دست آمد. سومین ابزار مورد استفاده، مقیاس تک‌گویه‌ای علاقه فردی (Individual Interest) بود. علاقه فردی به رشته تحصیلی در این پژوهش بر اساس مطالعات پیشین و با استفاده از یک گویه (تا چه حد به رشته تحصیلی خود علاقه دارید؟) در طیف چهار درجه‌ای لیکرت از نمره یک (اصلاً علاقمند نیستم) تا نمره ۴ (خیلی علاقمند هستم) اندازه‌گیری شد (۲۰). این نوع مقیاس‌های تک‌گویه‌ای امتیازات عملی متعددی از قبیل ایجاز و سهولت اجرا دارند و زمانی که یک متغیر بسیار عینی باشد، نیازی به استفاده بیشتر از یک گویه نیست (۲۱).

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و نیز روش‌های آمار استنباطی

که توسط کارامان و سیراک (۱۷) طراحی شده و ۱۴ گویه دارد. این مقیاس تعلق به دانشگاه را در سه بعد همانندسازی، انگیزش و انتظارات می‌سنجد. بعد انتظارات، ادراکات دانشجو را در خصوص چگونگی تطابق تجربیاتش با انتظارات قبل از ورود به دانشگاه را در برمی‌گیرد. بعد انگیزش، به انگیزش دانشجو برای رسیدن به اهداف تحصیلی و اجتماعی در دانشگاه مرتبط است. بعد همانندسازی، گویه‌هایی هستند که حس درونی شده عضویت گروهی و اینکه افراد بخشی از یک جامعه یا گروه بزرگتر هستند را اندازه‌گیری می‌کنند. از جمله گویه‌های این مقیاس این است که: « افتخار می‌کنم که دانشجوی این دانشگاه هستم ». گویه‌های این مقیاس در یک طیف پنج درجه‌ای از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم تنظیم شده است. حداقل و حداکثر نمره این مقیاس بین ۱۴ تا ۷۰ است که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده تعلق بیشتر به دانشگاه است. ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های این ابزار در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ و ضریب بازآزمایی نیز ۰/۸۸ گزارش شده است (۱۷). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ایران توسط صمدیه و همکاران (۱۳۹۹) بررسی شد و ضریب پایایی کل در دو مطالعه انجام شده به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۷۶ به دست آمد (۱۷). در مطالعه حاضر، پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های انگیزش، همانندسازی و انتظارات به ترتیب معادل ۰/۶۷، ۰/۵۸ و ۰/۶۶ به دست آمد.

همچنین در این مطالعه از مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (The Basic Needs Satisfaction in General Scale) استفاده شد. این مقیاس ۲۱ گویه‌ای شامل

نتایج

(ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) استفاده شد و

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر در جدول ۱ مشخص شده است.

داده‌ها نیز از طریق نرم‌افزار SPSS 24 تحلیل شدند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت		
مرد	۱۶۴	۳۸
زن	۲۶۲	۶۰/۶
بدون پاسخ	۶	۱/۴
وضعیت تأهل		
مجرد	۳۳۶	۷۷/۸
متاهل	۸۹	۲۰/۶
جدا شده از همسر	۲	۰/۵
سایر	۳	۰/۷
بدون پاسخ	۲	۰/۵
دانشکده		
ادبیات	۷۴	۱۷/۱
مهندسی	۹۴	۲۱/۸
علوم پایه	۶۲	۱۴/۴
روان‌شناسی	۷۰	۱۶/۲
کشاورزی	۶۲	۱۴/۴
علوم ورزشی	۷۰	۱۶/۲
بدون پاسخ	۰	۰

با توجه به هدف مطالعه شاخص‌های توصیفی و میزان همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول دو مشخص شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱. شایستگی	۲۵/۱۹	۵/۶۴	۱				
۲. خودمختاری	۲۹/۷۳	۵/۷۰	***۰/۵۱	۱			
۳. ارتباط	۳۵/۹۶	۷/۳۵	***۰/۴۴	***۰/۵۲	۱		
۴. علاقه به رشته	۳	۰/۸۲	***۰/۳۵	***۰/۲۶	***۰/۲۴	۱	

۱	***/۲۷	***/۴۵	***/۵۷	***/۵۲	۷/۱۷	۴۴/۶۹	۵. تعلق به دانشگاه
---	--------	--------	--------	--------	------	-------	--------------------

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، روابط میان تمامی متغیرها مثبت و معنادار است. به‌علاوه، ضریب همبستگی روابط میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی با یکدیگر و نیز ارتباط این نیازها با علاقه به رشته تحصیلی، همگی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار هستند.

با هدف تعیین سهم پیش‌بینی‌کنندگی نیازهای شایستگی، خودمختاری، ارتباط و علاقه فردی در میزان تعلق دانشجویان

به دانشگاه، ابتدا مفروضه‌های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی پراکندگی، نبود هم‌خطی چندگانه و استقلال خطاها بررسی شد. بررسی استقلال خطاها نشان داد که این پیش‌فرض رعایت شده است (۱/۸۴). مقادیر پارامتر تحمل (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF) در جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که از مفروضه هم‌خطی تخطی نشده است.

جدول ۳. خلاصه مدل پیش‌بینی تعلق به دانشگاه بر اساس نیازهای شایستگی، خودمختاری و ارتباط و علاقه

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد
همزمان	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۴۲	۵/۴۷

شده و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. ضریب R^2 یعنی ۰/۴۳ مقدار واریانس تبیین‌شده متغیر ملاک به وسیله ترکیب چهار متغیر پیش‌بین را نشان می‌دهد. جدول ۳ شامل انواع شاخص‌هایی است که موفقیت مدل را در پیش‌بینی متغیر ملاک ارزیابی می‌کنند. در این جدول، مقدار R برابر ۰/۶۵ است که همبستگی چندگانه بین مقادیر پیش‌بینی

جدول ۴. تحلیل واریانس تغییرات متغیر ملاک بر مبنای تغییرات متغیرهای پیش‌بین

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
رگرسیون	۹۴۵۸/۷۳	۴	۲۳۶۴/۶۸		
باقیمانده	۱۲۷۱۱/۵۱	۴۲۴	۲۹/۹۸	۷۸/۸۷	۰/۰۰۰۱
کل	۲۲۱۷۰/۲۴	۴۲۸			

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، متغیرهای پیش‌بین، پیش‌بینی‌کننده معنادار تعلق دانشجویان به دانشگاه هستند ($P < ۰/۰۱$ و $F(۴,۴۲۴) = ۷۸/۸۷$). در جدول ۵ سهم هر متغیر در پیش‌بینی متغیر وابسته نشان داده شده است.

جدول ۵. خلاصه نتایج ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی تعلق به دانشگاه

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig	آماره‌های هم‌خطی
	B	خطای استاندارد			VIF Tolerance
مقدار ثابت	۱۶/۱۲	۱/۶۹	۹/۵۴	۰/۰۰۱	-
شایستگی	۰/۳۴	۰/۰۶	۵/۹۵	۰/۰۰۱	۱/۴۹
خودمختاری	۰/۴۶	۰/۰۶	۷/۹۲	۰/۰۰۱	۱/۵۷
ارتباط	۰/۱۴	۰/۰۴	۳/۱۶	۰/۰۰۲	۱/۴۴
علاقه	۰/۴۰	۰/۳۴	۱/۱۵	۰/۲۵	۱/۱۶

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد، متغیر خودمختاری با ضریب بتای استاندارد $\beta = 0/36$ بیشترین سهم (۳۶ درصد) را در تبیین تعلق دانشجویان به دانشگاه دارد و بعد از آن نیاز به شایستگی ($\beta = 0/27$) و نیاز به ارتباط ($\beta = 0/14$) به ترتیب ۲۷ و ۱۴ درصد سهم در تبیین تعلق دانشجویان به دانشگاه داشتند. نتایج همچنین نشان داد که علاقه به رشته تحصیلی نقش معناداری در تبیین تغییرات متغیر ملاک ندارد.

بحث

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش نیازهای شایستگی، خودمختاری و ارتباط و علاقه به رشته تحصیلی در پیش‌بینی تعلق به دانشگاه بود. این مطالعه با نشان دادن این نکته که از میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی، نیاز به خودمختاری بیشترین نقش را در پیش‌بینی احساس تعلق دانشجویان دارد، نقش مهمی در گسترش مبانی نظریه خودتعیین‌گری در بافت آموزش عالی دارد. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌ها همسو است (۲۲، ۲۳). یافته‌های یک مطالعه داخلی (۲۲) نشان داد که محیط حامی خودمختاری، پیش‌بینی‌کننده مشارکت و میل به ادامه فعالیت‌ها در محیط‌های ورزشی است. هر چند در این مطالعه به صورت مستقیم به احساس تعلق اشاره‌ای نشده اما مشارکت در فعالیت‌های مختلف یکی از نشانگرهای اصلی احساس تعلق افراد به یک مجموعه است. به

نظر می‌رسد یادگیرندگانی که احساس آغازگری در انجام کارها داشته باشند، علاقه بیشتری به محیط آموزشی خود نیز خواهند داشت. محیط حامی خودمختاری با پذیرش احساسات، فراهم کردن منطقی برای فعالیت‌ها و تکالیف یادگیری و ارزش قائل شدن برای دیدگاه‌های دانشجویان، انگیزش درونی و تعلق را ارتقا می‌دهد (۲۳). نظریه خود-تعیین‌گری جامع‌ترین دیدگاه در خصوص فراهم کردن حق انتخاب، به عنوان آشکارترین راه برای حمایت از تجربه خودمختاری یک فرد و پیامدهای انگیزشی را ارائه داده است. این تبیین‌ها در خصوص اهمیت نیاز به خودمختاری، زمانی دقیق‌تر می‌شود که ویژگی‌های تحولی دوره دانشجویی نیز در نظر گرفته شود (۱).

یافته دیگر این مطالعه این بود که بعد از خودمختاری، شایستگی پیش‌بینی‌کننده نیرومند تعلق دانشجویان به دانشگاه است. این یافته با نتایج پژوهش بیپال همسویی دارد (۲۴). تبیین این یافته در قالب نظریه خودتعیین‌گری بر این اساس است که وقتی دانشجویان در تعامل با محیط دانشگاه، احساس مؤثر بودن کنند، احتمالاً مشارکت بیشتری در فعالیت‌ها خواهند داشت و این مشارکت اجتماعی و حس اثرگذار بودن در آن‌ها این حس را ایجاد می‌کند که آن‌ها فرد مؤثری در دانشگاه هستند، به ایده‌های آن‌ها احترام گذاشته می‌شود و این باعث می‌شود که در چنین محیطی

خود را عضوی از مجموعه دانشگاهی تلقی کنند و از بودن در محیطی که ارضا کننده نیاز به شایستگی آن‌ها است، احساس افتخار کنند.

مطالعه حاضر همچنین نشان داد که نیاز به ارتباط، پیش‌بینی‌کننده دیگر تعلق به دانشگاه است. این یافته با نتایج برخی مطالعات همسویی دارد (۲۵،۲۶). روابطی که اهمیت دادن و پذیرش را در بر داشته باشد، نیاز به تعلق را ارضا می‌کند (۷). نیاز به ارتباط در دانشجویان باعث می‌شود که آن‌ها تعاملات اجتماعی بیشتر و گسترده‌تری در سطح دانشگاه داشته باشند. هر چه این تعامل‌ها بیشتر باشد، به احتمال بیشتری روابط دوستی تشکیل می‌شود و افراد میل بیشتری به ماندن در محیطی دارند که برای آن‌ها عامل ایجاد پیوندهای هیجانی معنادار است. این پیوندهای هیجانی معنادار دربرگیرنده روابطی است که در آن افراد از یکدیگر حمایت می‌کنند و به اندیشه‌های یکدیگر احترام می‌گذارند. در چنین شرایطی است که حس تعلق به دانشگاه نیز قابل انتظار است.

در میان متغیرهای پیش‌بین، تنها علاقه به رشته تحصیلی بود که پیش‌بینی‌کننده معنادار تعلق دانشجویان به دانشگاه نبود. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌ها همسویی ندارد (۱۵،۲۷). به عنوان مثال در یک مطالعه کیفی در جمعیت دانشجویان ایرانی مشخص شد که علاقه به رشته تحصیلی یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه است (۱۵). مطالعات دیگر نشان داده‌اند که علاقه به رشته تحصیلی همراه با ویژگی‌هایی که احساس تعلق را تضعیف می‌کنند، کاهش می‌یابد. از طرفی یافته‌های پژوهش حاضر با برخی پژوهش‌ها همسویی دارد (۲۸). در یک مطالعه که در پنج بافت آموزشی متفاوت از نظر فرهنگی و در میان دانشجویان کارشناسی آمریکایی انجام شد، دل‌بستگی و تعلق به رشته تحصیلی از تعلق به دانشگاه متمایز و به صورت

جدا بررسی شد. در تبیین عدم همسویی نتایج مطالعه حاضر می‌توان به موضوع وابسته به بافت بودن احساس تعلق به دانشگاه اشاره کرد (۱۶) که نشان‌دهنده این موضوع است که تعلق به دانشگاه و علاقه به رشته مقوله‌های جداگانه‌ای هستند که لازم است ابعاد آن‌ها به تفکیک در مطالعات آینده بررسی شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. اول اینکه مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دانشجویان هستند و در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی باید احتیاط کرد. دوم اینکه پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و در استنباط‌های علی از یافته‌های بدست آمده باید احتیاط کرد. سوم اینکه پژوهش حاضر برای شناسایی عوامل تعیین‌کننده تعلق دانشجویان به دانشگاه از روش‌های کمی استفاده کرد. در حالی که ادراکات دانشجویان در خصوص مفهوم تعلق به دانشگاه و ابعاد آن در بافت‌های مختلف، متفاوت است. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده با انجام مطالعات کیفی به این موضوع پرداخته شود که عوامل تشکیل‌دهنده تعلق به دانشگاه کدام‌اند. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده با دانشگاه، پروتکل‌های مداخلاتی و متناسب با بافت آموزش عالی ایران در این خصوص طراحی شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش از دو جنبه اساسی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. از جنبه نظری، پژوهش حاضر با پرداختن به سازه احساس تعلق به دانشگاه به عنوان مفهومی مبهم، چند بعدی و وابسته به بافت در گسترش مبانی نظری و شناسایی عوامل تعیین‌کننده تعلق دانشجویان ایرانی به دانشگاه نقش بسزایی داشته است. از طرف دیگر، نتایج پژوهش حاضر تلویحات مهمی را به منظور ارائه مداخلات اثربخش در خصوص افزایش تجربه احساس تعلق دانشجویان به دانشگاه، فراهم می‌کند. در بافت‌های اجتماعی که

ملاحظات اخلاقی

مقاله حاضر، مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول (هادی صمدیه) است که در تاریخ ۹۸/۰۹/۰۲ و با کد ۳/۵۱۲۴۰ در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد به تصویب رسیده است. در این پژوهش، افراد شرکت‌کننده ابتدا با هدف پژوهش آشنا شدند و رضایت آن‌ها اخذ شد. رعایت امانت در گزارش پژوهش و دقت در گردآوری، ثبت و تحلیل داده‌ها از دیگر مواردی است که به عنوان اصول اخلاق پژوهش در تمام مراحل مطالعه، مدنظر قرار گرفت. کد اخلاق پژوهش حاضر، IR.UM.REC.1399.026 است.

تضاد منافع/حمایت مالی

یافته‌های این پژوهش، با منافع هیچ گروه و سازمانی در تعارض نیست.

نیازهای روان‌شناختی افراد با تهدیدهای مختلف روبرو می‌شود، بروز رفتارهای ناسازگارانه قابل انتظار است. در چنین شرایطی، به تعلق افراد به محیط اجتماعی پیرامون خود لطمه وارد شده و احساس بیگانگی ایجاد می‌شود. توجه و اهمیت دادن به ایده‌های دانشجویان، مشارکت دادن آن‌ها در جریان فعالیت‌ها و گفتگوها و حمایت کردن از شایستگی‌های افراد، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به شکل‌گیری تجربه احساس تعلق به دانشگاه کمک کند.

سپاس‌گزاری

نویسندگان، از تمامی اساتید، مسئولین و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد که در این پژوهش همکاری داشتند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنند.

منابع

1. Samadieh H, Nasri M. The explanation of students' adjustment to university based on perceptions of parents: mediating mechanism of cognitive flexibility. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*. 2021;10(7):35-46.
2. Wilson KL, Murphy KA, Pearson AG, Wallace BM, Reher VG, Buys N. Understanding the early transition needs of diverse commencing university students in a health faculty: informing effective intervention practices. *Studies in Higher Education*. 2016;41(6):1023-40.
3. Samadieh H, Kareshki H, Amin Yazdi SA, Hejazi E. The Dynamics of Students' Sense of Belonging to University: A Phenomenological Study. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2023;10;12(7):41-52.
4. Strayhorn TL. *College students' sense of belonging: A key to educational success for all students*: Routledge; 2018.
5. Samadieh H, Tanhaye Reshvanloo F. The Relationship Between Sense of Belonging and Life Satisfaction Among University Students: The Mediating Role of Social Isolation and Psychological Distress. *Iranian journal of educational sociology*. 2023;10;6(3):11-24.
6. Torkzadeh J, Mohammadi M, Naseri J R, Zahedi H. Evaluation of organizational belonging and commitment among the students of Shiraz University Higher Education Letter. 2011;4(15):59-73.
7. Ryan RM, Deci EL. *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*: Guilford Publications; 2017.
8. Reeve J. *Understanding motivation and emotion*: John Wiley & Sons; 2014.
9. Samadieh H, Sadri M, Heidari Jaghargh K, Efsalani Y. The Relationship of Basic Needs Satisfaction in Friendship Relationships to Students' Academic Engagement during COVID-19: The Mediating Role of Sense of Belonging to University. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2023;10;21(2):410-22.
10. Wilson D, Jones D, Bocell F, Crawford J, Kim MJ, Veilleux N, et al. Belonging and academic engagement among undergraduate STEM students: A multi-institutional study. *Research in Higher Education*. 2015;56(7):750-76.
11. Draijer J, Bakker A, Slot E, Akkerman S. The Multidimensional Structure of Interest. *Frontline Learning Research*. 2020;8(4):18-36.
12. Renninger KA, Hidi S. *The power of interest for motivation and engagement*: Routledge; 2015.
13. Harackiewicz JM, Durik AM, Barron KE, Linnenbrink-Garcia L, Tauer JM. The role of achievement goals in the development of interest:

- Reciprocal relations between achievement goals, interest, and performance. *Journal of educational psychology*. 2008;100(1):105.
14. Peyrovi H. Disinterest in the field of study. *Migna*. 2019/07/07.
 15. Aryanpour H, Hejazi E, Ejei J, Gholamali Lavasani M. Iranian College Students' Academic Identity: A Qualitative Study. *Journal of Psychology*. 2019;23(3):234-53.
 16. Vaccaro A, Newman BM. Development of a sense of belonging for privileged and minoritized students: An emergent model. *Journal of College Student Development*. 2016;57(8):925-42.
 17. Samadieh H, Kareshki H, Amin Yazdi SA, Hejazi E. The Belonging to the University Scale: Psychometric Properties and Analysis of Current Status in the Context of Higher Education. *Studies in Learning & Instruction*. 2021;12(2):1-22.
 18. Gagné M. The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and emotion*. 2003;27(3):199-223.
 19. Besharat MA, Ranjbar K E. The Basic Needs Satisfaction in General Scale: Reliability, Validity and Factor Analysis. *Educational Measurement*. 2013;4(14):147-68.
 20. Kalender I, Berberoglu G. An assessment of factors related to science achievement of Turkish students. *International Journal of Science Education*. 2009;31(10):1379-94.
 21. Bergkvist L, Rossiter JR. Tailor-made single-item measures of doubly concrete constructs. *International Journal of Advertising*. 2009;28(4):607-21.
 22. Ahmadi M, Amani J, Behzadnia B. Autonomy-Supportive and Controlling Environment, Motivation, and Intention to Continue Sport Participation in Adolescents: Study of Self-determination Theory. *Sport Psychology Studies*. 2015;3(10):99-112.
 23. Froiland JM, Davison ML, Worrell FC. Aloha teachers: Teacher autonomy support promotes Native Hawaiian and Pacific Islander students' motivation, school belonging, course-taking and math achievement. *Social Psychology of Education*. 2016;19(4):879-94.
 24. Biehal N. A sense of belonging: Meanings of family and home in long-term foster care. *British Journal of Social Work*. 2014;44(4):955-71.
 25. van Herpen SG, Meeuwisse M, Hofman WA, Severiens SE. A head start in higher education: the effect of a transition intervention on interaction, sense of belonging, and academic performance. *Studies in Higher Education*. 2020;45(4):862-77.
 26. Samadieh, H., Tanhaye Reshvanloo, F., Saeidi Rezvani, T., Talebzadeh, L. Psychometric Properties of the Unidimensional Relationship Closeness Scale based on classical test theory and Item response theory. *Quarterly of Educational Measurement*, 2020; 10(38): 53-84.
 27. Good C, Rattan A, Dweck CS. Why do women opt out? Sense of belonging and women's representation in mathematics. *Journal of personality and social psychology*. 2012;102(4):700.
 28. Hejazi E, Ejei J, Ranjbar G. Predicting School Connectedness Based on Parent and Peers Attachment. *Journal of Family Research*. 2013;9(1):83-97.